



اسماعیل رزم آسا
روزنامه‌نگار و پژوهشگر
تاریخ مطبوعات ایران

(قسمت هفتم)

قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس، زوال استقلال مالی و نظامی ما بود!

احمدشاه برای امضای قرارداد چه خواسته‌ای داشت!؟

دکتر مصدق می‌خواست خود کشی کند ولی نکرد و کمیته (مقاومت ملت‌ها) را تشکیل داد

نصیحتی مشفقانه به آنهایی که: (قلم به حکم می‌رانند)!

▼ در شماره قبل به مناسبت برگزاری انتخابات به جای ادامه بحث فوق، به ناچار مقاله: (اقتصاد ایران صد سال است که نفتی شده) تقدیم خوانندگان شد و پیش از آن هم که به مناسبت برگزاری (همایش ایران و استعمار انگلیس)، صاحب این قلم در گرداب قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس گرفتار آمد و فرصتی پیدا نکرد که به مسایل روز بپردازد، هرچند با توجه به جو حاکم بر مطبوعات علاقه‌ای هم ندارد که در مرز هشتاد سالگی خود را درگیر برخی مسائلی نماید زیرا همان‌طور که در سخنرانی خود در سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران در دانشگاه علوم ارتباطات اظهار داشتیم: «ما را نه طاقت چوب است نه هوای سویت!» (*) اما وقتی می‌بیند در صفحه ۱۳ روزنامه اطلاعات شماره ۲۴۴۶۹ مورخ ۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۸ با تیتراژ درشت از قول رئیس قوه قضائیه نوشته شده: (برخی از قضات می‌خواهند همه را به زندان بیندازند!) به این فکر می‌افتد که قطعه شعری را که متعلق به مرحوم جواهری پدر مرحوم سید محمود فرخ رئیس انجمن ادبی فرخ در مشهد می‌باشد و آیت‌الله خامنه‌ای در سال‌های اقامت خود در مشهد در این انجمن حضور می‌یافتند و مرحوم دکتر غلامحسین یوسفی استاد دانشگاه هم در آن سال‌ها یکی از شرکت کنندگان در این انجمن ادبی بوده و این دو را نیز در عکسی که مربوط به سال ۱۳۳۹ (۴۹ سال قبل) می‌باشد و در تصرف نویسنده است آنها را با مرحوم فرخ نشان می‌دهد و یک قطعه از آن را به آقای دکتر حداد عادل داده‌ام تا به ایشان تقدیم کنند، برای اطلاع کسانی که (قلم به حکم می‌رانند) نقل کنند، باشد که سرمشق دست اندرکارانی قرار گیرد که سرنوشت اشخاص به تصمیم گیری آنها بستگی دارد، با این امید که آنها را از جاده انصاف و مروت منحرف نسازد و به یاد داشته باشند که: آخر این خانه را خدایی هست، و اینست آن قطعه شعر:

مکن ای پسر ظلم در اقتدار
بخواهد به شب چشم ظالم و لیک
که ظلمت پشیمانی آرد به بار
نه مظلوم خوابد نه پروردگار

دیگر نمی‌توان او را مجبور قلمداد کرد...»^(۱)

طبق کنتراهای که مستقیماً با خود آنها بسته می‌شود برای خدمت در ایران اجبر شوند... وی بعد می‌افزاید: «... اما راجع به اختیارات مستشارها که موقوف به توافق نظرمیان اولیای دولت ایران و خود آن مستشارها بوده، و رأی دولت متعاهد (انگلستان) مدخلیت نداشته، این همان ترتیبی است که از مدت‌ها پیش در خیلی جاها اجرا شده و آن دسته از مستشاران خارجی هم که در حال حاضر در کشور ما هستند به همین ترتیب استخدام شده‌اند.

گذشته از مراتب فوق، این تفاهم ضمنی همیشه بین طرفین قرارداد وجود داشته است - و بعداً هم طبق بیانیه رسمی طرفین واعلامیه‌هایی که خود این جانب در آن تاریخ صادر کرده‌ام رویش تأکید شده است - که اجرای قطعی قرارداد منوط به تصویب مجلس شورای ملی ایران خواهد بود.» مرحوم دکتر شیخ الاسلامی در این قسمت از اظهارات و وثوق الدوله در پانویس ردیف^(۱) می‌نویسد: «۱- وثوق الدوله در اینجا خلط مبحث می‌کند چون در هیچ کدام از اعلامیه‌های بعد از قرارداد به این موضوع (لزوم تصویب قرارداد در مجلس) اشاره نشده و در متن قرارداد هم جای هرگونه ماده یا تبصره‌ای راجع به این موضوع

وقتی نوبت سخن گفتن به وثوق الدوله می‌رسد، وی ضمن تشکر از مدرس با تشریح (اوضاع عمومی در دنیا در موقع بسته شدن قرارداد) و (ماهیت قرارداد) به دفاع از خود می‌پردازد، دفاعی که توجیه قانونی ندارد و به قول مرحوم دکتر شیخ الاسلامی (خلط مبحث)^(۲) می‌باشد که در جای خود نظر او را می‌آوریم.

وثوق الدوله در ماهیت قرارداد می‌گوید: «قسمت‌هایی از قرارداد ۱۹۱۹ که علی‌الظاهر بیشتر مورد تنقید معترضان قرار گرفته، اینهاست:



وثوق الدوله به دفاع از خود می‌پردازد، دفاعی که توجیه قانونی ندارد!

” دولت متعاهد (انگلستان) وعده می‌دهد که هر تعداد مستشار و متخصص که لزوم استخدام آنها با توافق نظر طرفین ثابت شود به ما بدهد. و همه این مستشاران و متخصصان

وثوق الدوله خلط مبحث می‌کند

در شماره قبل وعده دادیم که در این شماره « برای حفظ بی‌طرفی و رعایت حقوق و وثوق الدوله به نقل مدافعات وی و...» بپردازیم، اکنون به عهد خود که (وظیفه است) وفا می‌کنیم. در شماره گذشته با نقل سخنان مرحوم مدرس متوجه شدید که وی در حالی که شخصاً مخالفت خود را در مورد قرارداد ابراز می‌دارد ولی از آنجا که اهل تسامح و تعامل و به فکر آینده مملکت است و می‌خواهد از وجود همین‌ها که مرتکب خطایی هم شده‌اند برای پیشرفت مملکت استفاده کند به همین جهت با سخنان خود سعی می‌کند برای حضور وثوق الدوله در کابینه مرحوم مستوفی‌الممالک، وثوق را تبرئه کند و نمایندگان را تشویق به تأیید وی نماید. وثوق الدوله که از این حمایت برخوردار می‌شود بعد از حملاتی که مرحوم دکتر مصدق به وی می‌کند و چهار دلیل متین بر رد قرارداد می‌آورد، در پایان آن دلایل می‌گوید: «به یک دلیل دیگر هم می‌توان رد کرد و آن اینکه آقای وثوق الدوله حق‌العمل امضای قرارداد را از انگلیسی‌ها دریافت کرده‌اند^(۱) و کسی که در مقابل عمل خود پول گرفت معلوم می‌شود راضی است و

خالی است. نکته مورد نظر فقط یک بار، آنهم در چارچوب یک مصاحبه مطبوعاتی که قرار بود بعداً در روزنامه رعد منتشر شود، میان سید ضیاء و سرپرستی کاکس مطرح شد و کاکس صریحاً جواب داد که دولت انگلستان تصویب شدن قرارداد را در مجلس نوعی امرتشریفات تلقی می‌کند و عقیده دارد که قرارداد مزبور از همان لحظه‌ای که امضاء شده قوت رسمی و قانونی پیدا کرده است.»

وثوق الدوله پس از آن می‌گوید: «و اگر به علت نیازهای مبرم کشور، اجزای بعضی از مواد آن در همان تاریخ، یعنی بلافاصله پس از امضای قرارداد، شروع شد، بدیهی بود که در صورت رد شدنش در مجلس، هر اقدامی که بر مبنای قرارداد، صورت گرفته بود به خودی خود از بین می‌رفت.» دکتر شیخ الاسلامی به این قسمت هم در پانویس ردیف (۲) صفحه ۳۲۳ چنین پاسخ داده است:

«۲- دومین خلط مبحث وثوق الدوله، همین استدلال نارسایی است که در این مورد بکار می‌برد. او در جواب ایراد بسیار صحیح دکتر مصدق را ابدان نمی‌دهد که اگر طرف متعاقد (انگلستان) مدعی شد که به علت اعزام مستشار و دادن مهمات و اسلحه و غیره متحمل ضررهایی شده است، یا اینکه خود آن مستشاران مدعی شدند که بر مبنای درخواست دولت ایران، از سمت‌های مهمی که در لندن داشته‌اند استعفا داده و از این حیث متحمل خسارت‌های هنگفت شده‌اند، چه کسی یا چه مقامی، می‌بایست آن خسارات را بپردازد؟

بعد از شرح آنچه که در بالا گفته شد در پاسخ اظهارات دکتر مصدق می‌گوید: «... دلایل مهمتر و بزرگتری که انعقاد آن را ایجاب کرد، علت و معلولهایی که در این جریان (بسته شدن قرارداد) دخیل بودند و در تغییر سیاست‌های کشور ما اثر گذاشتند، بالاخره خود این نکته اصلی که عامل عمده لغو قرارداد چه بود، همه اینها مسائلی هستند که هم از حوصله بیانات امروزی من خارجند و هم مصلحت وقت در گفتنشان نیست. انشاءالله همه این حقایق روزی در آثار محققان سیاست فاش خواهد شد و مردم با فکری بازتر و روشن‌تر درباره آنها قضاوت خواهند کرد.» (۳) وثوق الدوله به دنبال این اظهارات به راحتی منکر دریافت وجه بابت امضای این قرارداد می‌شود و می‌گوید: «راجع به آن یکصدوسی هزار لیره هم که آقای دکتر مصدق اشاره فرمودند همین قدر می‌توانم عرض کنم که اگر به خود ایشان چیزی از این بابت رسیده به بنده هم رسیده است و

اگر مسلم شود چنین وجهی دریافت کرده‌ام علاوه بر آنکه حاضرم غرامات آن را به اضعاف (= دوبرابر) بپردازم، تمام ایرادات و اعتراضات آقای دکتر مصدق را هم بر خود وارد می‌دانم.» (۴) در اینجا مرحوم دکتر شیخ الاسلامی در پانویس کتاب خود خواننده را به اسناد شماره ۱۶ و ۱۷ ارجاع می‌دهد که در صفحات ۴۶ و ۴۷ کتاب اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا درباره قرارداد ۱۹۱۹ ایران و انگلیس جلد اول ترجمه دکتر جواد شیخ الاسلامی آمده است. جالب توجه اینست که در سند شماره ۱۶ کاکس بعد از عنوان می‌نویسد: «حد اعلای موفقیتی که در این کار نصیب شد پایین آوردن مبلغ مورد مطالبه به چهارصد هزار تومان بود که معادل است با ۱۱۱/۹-۱۳۱/۱۴۷ لیره (یکصد و سی و یک هزار و صد و چهل و هفت لیره و یازده شلینگ و نه پنس انگلیسی)... وی در بخش دیگری می‌نویسد:

«... از لحاظ رعایت انصاف، این موضوع را باید محرمانه به اطلاعاتان برسانم که در قضیه مطالبه پول، خود وثوق الدوله آنقدر پافشاری نداشت که آن دو وزیر دیگر (نصرت‌الدوله و صارم‌الدوله) که حقیقتاً جانم را به لب آوردند و نخست وزیر چون احساس می‌کرد موقعیت سیاسی‌اش آن قدر قوی نیست که با این دو عضو مقتدر کابینه در بیفتد و آنها را از خود برنجانند، ناچار به نظرشان (که پول می‌خواستند) تسلیم شد.»

ملاحظه فرمودید که دوتن از وزراء مذکور برای دریافت این وجه جان وزیر مختار انگلیس را به لبش آورده‌اند و وثوق الدوله هم تسلیم آنان شده است. در اینجا این سؤال پیش می‌آید که اگر وثوق الدوله تمایلی به دریافت آن مبلغ نداشته می‌توانسته از دریافت آن خودداری و یا عیناً آن را به خزانه دولت وارز نماید و تن به چنین ننگی ندهد. در شماره بعد خواهیم گفت که چرا دکتر مصدق هم می‌خواست خودکشی کند و نکرد و کمیته (نهضت مقاومت‌ها) را تشکیل داد.

نویسنده این سطور می‌خواهد قصد و نیت خود را از نوشتن این سلسله مقالات و یا سلسله مقالات قبلی: (قراردادهای استعماری و ملی شدن صنعت نفت) و حواشی آن را که یادآور تاریخ پرتشبی و فراز کشور ماست در اینجا بازگو کند و آن این است که زمامداران امروز و فردای این مملکت بهوش باشند تا خدای ناکرده فریب زرق و برق و مقام و منصب دنیای دون را نخورند و در

مسیر خیر و صلاح مردم گام بردارند. اکنون قطعه شعر دیگری را که مرحوم قوام السلطنه در ذیل نامه‌اش در پاسخ نامه حکیم‌الملک وزیر متملق دربار محمد رضاشاه نوشته، می‌آوریم و ادامه این بحث را در شماره‌های آینده پی می‌گیریم:

**ما نصیحت بجای خود کردیم
چند وقتی در این بسر بردیم
گر نیاید بگوش رغبت کس
بر رسولان پیام باشد و بس**

پانویس‌ها:

*- از شوخی گذشته باید این را هم بگویم که از بدو انقلاب حتی در همین دولت فعلی گاهی انتقادات تند می‌هم به حکومت نموده ام برای نمونه بخوانید مقدمه مقاله شماره ۲۰۰ مورخ شهریور ۸۷ مجله گزارش با عنوان: (این مقدمه را آقایان وزراء بخوانند - مگر شما کتاب آئین دشمن یابی خوانده اید؟) ولی گوش شیطان کرا! نه تنها تاکنون هیچگونه مزاحمتی برابرم به وجود نیامده بلکه یکی از مقالاتم که در دفاع از املک الشعراء بهار با مقدمه کنایه آمیز تندی هم همراه بود و در کیهان هوایی شماره ۱۱۶۹ مورخ ۲۹ آذر ۱۳۷۴ به چاپ رسید در سومین جشنواره مطبوعات ایران برنده لوح تقدیر و سفروسوری در دوران وزارت مهندس مصطفی میرسلیم در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هم گردید.

۱- البته علاوه بر وثوق الدوله که دو بیست هزار تومان از چهارصد هزار تومان را برای خود برداشته، نصرت الدوله و صارم الدوله نیز هر کدام مبلغ یکصد هزار تومان دریافت داشته‌اند و ما به موقع از نحوه بازپس گیری آن وجوه سخن خواهیم گفت.

۲- تک به جلد اول اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا ص ۳۱۱. با این توضیح که این مطلب در شماره قبل نیز نقل شده بود ولی در اینجا ناچار به تکرار آن بودیم.

۳- برای اطلاع از مدافعات ناموجه وثوق الدوله بنگرید به جلد اول اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا صفحات ۳۲۰ الی ۳۲۴

۴- ص ۳۲۴ همان

۵- ص ۳۲۴ همان

۶۰ هزار خواننده و بیننده در هر ماه، اعتباری است که افکار عمومی برای نشریه گزارش قابل است

مطالب، مقاله‌ها، ترجمه‌ها و نظرات خود را به شماره ۰۲۱-۸۸۸۳۳۲۶۱ و یا به پست الکترونیکی: gozarezesh1021@gmail.com ارسال نمایید.

تهران - صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۴۶۷
تلفن اشتراک و سفارش آگهی: ۰۲۱-۸۸۸۳۳۲۸۱

ماهنامه گزارش
اجتماعی، سیاسی، اقتصادی